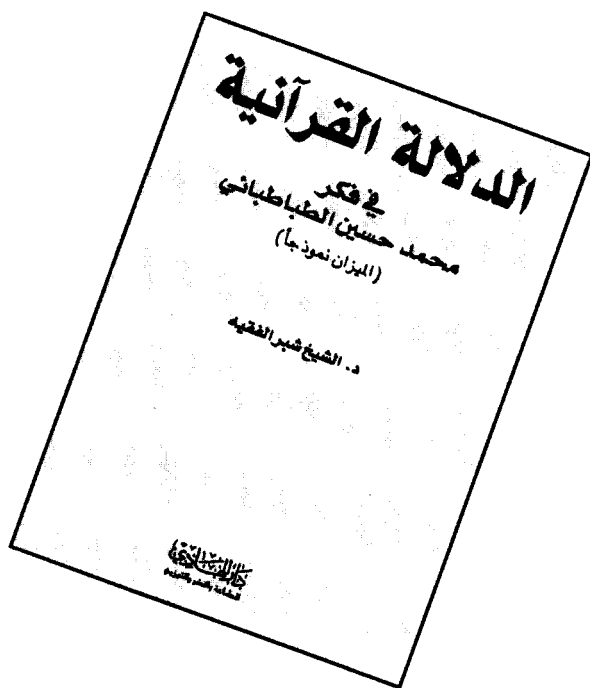


## کتابساخته‌ای به نام

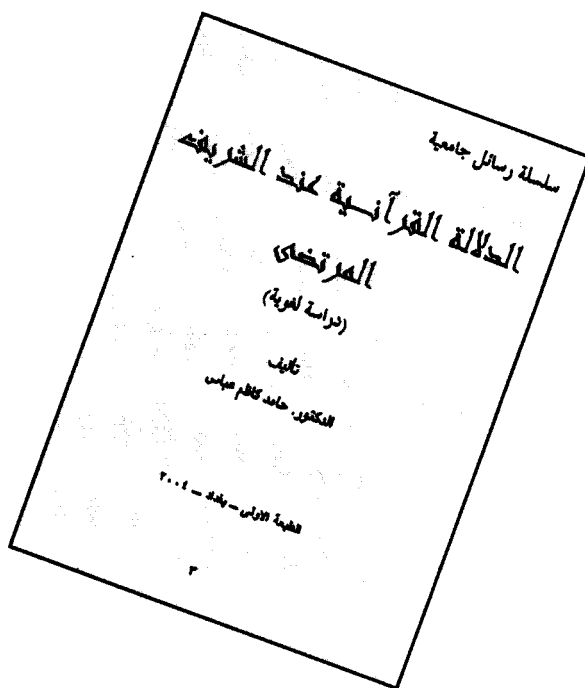
# الدلالة القرآنية في فكر محمد حسين الطباطبائي

## (الميزان نموذجاً)

محمدحسن محمدی مظفر<sup>۱</sup>



الدلالة القرآنية في فكر محمد حسين الطباطبائي، الشيخ شبر فقيه، چاپ ۱، بیروت: دارالقادی، ۲۰۰۸.



الدلالة القرآنية عند الشريف المرتضى، حامد كاظم عباس، چاپ ۱، بغداد: دارالشؤون الثقافية العام، ۲۰۰۴.

دلالت‌های قرآنی را از نظر سیدمرتضی که یکی از عالمان بزرگ شیعه در قرن پنجم هجری است، به بحث گذاشته و در هر بخش به کتاب‌های سیدمرتضی از قبیل امالی، الذریعه، تنزیه الانبیاء، الانتصار، رسائل و... ارجاع داده است.

۲. کتابی جعلی به نام الدلالة القرآنية في فكر محمد حسين الطباطبائي (الميزان نموذجاً) از دکتر الشیخ شبر الفقیه

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب.

چندی پیش در جستجوی کتابی بودم که به بحث دلالت‌های قرآنی پرداخته باشد و از جمله به دو کتاب دست یافتم:

۱. کتابی اصلی به نام الدلالة القرآنية عند الشريف المرتضى از دکتر حامد کاظم عباس (بغداد: دارالشؤون الثقافية العام، الطبعة الاولى، ۲۰۰۴). این کتاب در اصل رساله دکترای نویسنده بود که نویسنده پس از تغییرات و اصلاحاتی که در آن به عمل آورده است و آن را از حالت رساله دانشگاهی خارج ساخته، به چاپ رسانده است. در این کتاب نویسنده

المرتضى الى هذا القول كل من أبي عبيده (ت ۲۱۰) و الشریف الرضى (ت ۴۰۶) و تابعه الزمخشري (ت ۵۳۸) یعنی زمخشري در این قول از سیدمرتضى پیروی کرده است. در کتاب جعلی صفحه ۱۳۰ همین عبارت چنین است: «وقد سبق الطبائبي الى هذا القول كل من أبي عبيده (ت ۲۱۰) و الشریف الرضى (ت ۴۰۶) و تابعه الزمخشري (ت ۵۳۸)». لازمه این تحریف آن است که زمخشري (قرن ۶) از علامه طبائبي (قرن ۱۴) پیروی کرده باشد.

نمونه دیگر از این نوع افتضاح، نقل قولی از گلدزیهر درباره سیدمرتضى است که در کتاب اصلی (صص ۱۵۶-۱۵۷ و ۱۹۸) آمده و در این کتاب جعلی نیز در مورد علامه طبائبي آورده شده است (صص ۱۳۲ و ۱۶۸) و لازمه اش آن است که گلدزیهر (م ۱۹۲۱) درباره علامه طبائبي (م ۱۹۸۱) سخن گفته باشد.

۵. افتضاح تبدیل المرتضى به الطبائبي تا آنجا رسیده است که کتاب ادب المرتضى نیز به «ادب الطبائبي» تبدیل شده است (ص ۲۰۰، پاورقی ۳)، در حالی که نام همین کتاب در کتابنامه (ص ۳۰۸) به صورت صحیح (ادب المرتضى) آمده است؛ همچنین این تبدیل باعث شده است در این کتاب جعلی، عنوان «الشریف الطبائبي» (ص ۱۴۴) برای علامه آورده شود. در کتابنامه نیز شاهد این تبدیل و تحریف هستیم؛ مثلاً کتاب الشافى فى الامامه یا مجموعه فى فنون علم الکلام یا الناصريات به الطبائبي، ابوالقاسم على بن الحسين نسبت داده شده (در حالی که المیزان به العلامة السيد محمد حسين الطبائبي نسبت داده شده است)، ولى در صفحه ۲۷-۲۹ که آثار علامه طبائبي معرفی شده است، ذکرى از این سه کتاب نیست.

۶. در کتاب اصلی تنها در چند مورد به المیزان علامه طبائبي ارجاع شده است و تنها در یک مورد در متن به ایشان با تعبیر «وهناك رأى لصاحب تفسير الميزان» (ص ۱۴۵) اشاره شده که این تعبیر با اتفافی بودن ذکر ایشان در این کتاب می سازد، ولى همین تعبیر در این کتاب جعلی (ص ۱۲۳) نیز آورده شده که کاملاً نابجاست و با ادعای عنوان این کتاب که می خواهد به آرای علامه طبائبي بپردازد، ناسازگار است.

۷. جاسازی المیزان به جای کتاب های سیدمرتضى باعث شده است برای المیزان شماره صفحاتی آورده شود که وجود خارجی ندارند؛ مثلاً المیزان: ۱/۶۱۶، ۱/۴۷۷، ۱/۶۰۳، ۱/۵۲۷، ۱/۵۲۹، ۱/۶۲۸-۶۲۹؛ ۸/۵۷۸؛ ۱۰/۴۰۴ و ۱۰/۴۴۰؛<sup>۲</sup> در حالی که جلد اول المیزان ۴۴۷ صفحه، جلد هشتم المیزان ۳۸۶ صفحه و جلد دهم المیزان ۳۸۲ صفحه دارد. در بسیاری از موارد نیز صرفاً نام المیزان به جای آثار سیدمرتضى آورده شده است و عنوان بحثی که در کتاب های

(بیروت: دارالهادی، الطبعة الاولى، ۲۰۰۸). این کتابها به رغم ظاهر زیبا و چشم نواز، سرقى است فضاحت بار و شگفت آور از کتاب قبلى که جاعل آن، همه بخش های کتاب قبلى (از نام و مقدمه و بدنه اصلی و خاتمه و کتابنامه) را با تغییرات و تحريفاتى گمراه کننده به عنوان کتابى جدید به چاپ رسانده است؛ یعنی به جای نام الشریف المرتضى و کتاب هایش، نام الطبائبي و کتاب المیزان را جاسازی کرده و معجون عجیب و غریبی پدید آورده است. شاید همین اشاره کافی باشد تا خوانندگان نکته سنج جای این کالای تقلبی را نه در قفسه های وزین کتابخانه ها، بلکه در دستگاه های خشن خمیرگیری و مقواسازی بدانند، ولى نگارنده برای توضیح بیشتر نکاتی را یادآور می شوم:

الف) مقدمه این کتاب جعلی، همان مقدمه کتاب اصلی است؛ با قدری تغییرات و بدون اینکه به رساله دانشگاهی بودن آن اشاره شود.

ب) در کتاب اصلی نویسنده به مناسبت، زندگی نامه سیدمرتضى را آورده است که در این کتاب جعلی، به جای آن، زندگی نامه علامه طبائبي آورده شده است.

ج) از صفحه ۳۳ تا ۶۵ این کتاب جعلی، بحث هایی درباره دلالت و علم دلالت آورده شده است که ظاهراً با بحث های کتاب اصلی (ص ۶۳-۷۵) تفاوت دارد.

د) از صفحه ۶۷ تا ۲۷۸ این کتاب جعلی، همه عنوان ها و مطالب دقیقاً همان عنوان ها و مطالب کتاب اصلی (ص ۷۷-۳۲۲) است که جاعل کتاب به جای اسم الشریف المرتضى، نام الطبائبي و به جای نام کتاب های سیدمرتضى نظیر امالی، الذریعه، رسائل و... نام المیزان را قرار داده و شماره جلد و صفحه را نیز اغلب بدون تغییر آورده است و با این کار به تحریف بزرگی دست زده و مطالبی را به المیزان ارجاع داده است که روح علامه از آن بی خبر است و اصلاً در المیزان وجود ندارد. در توضیح این بند، چند نکته را یادآور می شوم:

۱. این تحریف و جابه جایی، فقط در مورد نام سیدمرتضى و کتاب های او با نام علامه طبائبي و المیزان است، ولى بقیه مطالب و ارجاعات درست همان مطالب و ارجاعاتی است که در کتاب اصلی وجود دارد.

۲. این جابه جایی ها، در بیشتر صفحات وجود دارد، ولى در خیلی از موارد نیز همچنان نام سیدمرتضى در متن و نام کتاب هایش در پاورقی به جا مانده است (با اینکه به ادعای عنوان این کتاب، بحث آن درباره علامه طبائبي و کتاب المیزان است) و این موارد همان دم خروس است که موجب رسوائی این کتاب جعلی می شود.

۳. نویسنده کتاب اصلی در برخی موارد از شریف رضى و کتاب حقائق التأویل فى متشابه التزیل نام برده (ص ۱۸۲، ۱۸۹، ۲۴۴، ۲۴۷، ۲۶۴) که جاعل این کتاب، این موارد را نیز به طبائبي و المیزان تغییر داده است.

۴. نویسنده کتاب اصلی در صفحه ۱۵۳ می گوید: «وقد سبق



۲. به ترتیب در صفحات ۱۰۰ پاورقی، ۳، ۱۲۸ پاورقی ۱، ۱۴۶ پاورقی ۲، ۳ و ۱۶۸ پاورقی ۵، ۲۳۶ پاورقی ۶ و ۷، ۲۳۷ پاورقی ۱، ۲۴۸ پاورقی ۲، ۲۳۰ پاورقی ۵ و ۲۶۸ پاورقی ۳.

سید مرتضی بوده، به دنبال آن در پراگتیز آورده شده است که پرده از جعلی بودن آن ارجاعات برمی دارد.

۸. این جاسازی ها بعضاً باعث می شود خواننده در همان نگاه اول به جعلی بودن این ارجاعات پی ببرد؛ مثلاً در مورد بحثی در سوره حمد به جلد ۲۰ المیزان صفحات ۲۹۳-۲۹۴ ارجاع شده (ص ۲۲۲ پاورقی ۴)، در حالی که بحث سوره حمد در جلد اول المیزان آمده است.

هـ) از صفحه ۳۲۳ تا ۳۷۴ کتاب اصلی، فصلی با عنوان «التوثیق الدلالی» آمده و در آن سه مبحث مطرح شده است: ۱. تفسیر القرآن بالقرآن؛ ۲. الاحتجاج بالقرائن؛ ۳. الشاهد الشعری. در این کتاب جعلی (ص ۲۷۹-۲۹۱) هیچ یک از این مباحث نیامده و به جای آن، مبحثی با عنوان «الفروق الدلالية» آورده شده است.

و) در کتاب اصلی (ص ۳۷۵-۳۸۱) خاتمه و نتایج بحث آمده است و در کتاب جعلی (ص ۲۹۲-۳۰۴) همین عنوان آمده و این قسمت نیز سرفتی از همان کتاب اصلی است به همراه برخی تغییرات و اضافات. عجیب آنکه همان مباحثی که در پایان کتاب اصلی در فصل پنجم آورده شده (یعنی تفسیر قرآن به قرآن و بحث قرائات و شاهد شعری) و در این کتاب جعلی نیامده، در این خاتمه و بیان نتایج به آنها نیز اشاره شده است (ص ۳۰۲-۳۰۴).

ز) کتابنامه این کتاب جعلی نیز کاملاً از کتاب اصلی سرقت شده است؛ البته با حذف تعدادی از منابع. حتی منابعی که در بخش های اختصاصی این کتاب جعلی به آنها ارجاع شده، نظیر الشمس الطالعه، الشواهد الربوبیه، الحکمه المتعالیه، رساله التشیع، الشیعیه، سنن الترمذی، المنطق، منطق الشریقین و... صص ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۲۶، ۳۴، ۳۹ در کتابنامه آورده نشده اند.

ح) گفتیم که بدنه اصلی این کتاب جعلی (ص ۶۷-۲۷۸) عیناً از کتاب اصلی (با تحریف نام سید مرتضی و کتاب هایش به نام علامه طباطبائی و کتاب المیزان) سرقت شده است و قبل از این بخش، دو فصل با عنوان «الفصل التمهیدی حیاة العلامة محمد حسین الطباطبائی» و «الفصل الاول الدلالة وعلم الدلالة» (ص ۱۳-۶۵) اضافه شده و در پایان کتاب نیز «المبحث السادس الفروق الدلالية» (ص ۲۷۹-۲۹۱) افزوده شده است؛ یعنی بخش دقیقاً سرقت شده در میان این بخش های الحاقی گنجانده شده است تا در نظر اول چندان به چشم نیاید؛ همچنین تغییرات دیگری نیز داده شده است؛ مثلاً در کتاب اصلی شماره پاورقی ها مسلسل وار آمده، ولی در این کتاب جعلی، شماره ها در هر صفحه از شماره ۱ شروع می شود. کتابنامه نیز در کتاب اصلی دارای شماره است، ولی در کتاب جعلی بدون شماره آمده، اعداد کتاب اصلی نیز به صورت اعداد انگلیسی نوشته شده است؛ علاوه بر اینها در این سرقت خطاها و اغلاط فراوان و چند مورد افنادگی نیز روی داده است.

ط) نویسنده کتاب اصلی به زحمات و تلاش های پیگیر خود

در تدوین کتابش اشاره کرده است (فان هذا العمل المتواضع هو حصیله جهد جهید، الله وحده یعلم غایته ومداه، ص ۸) و خنده دار است که جاعل نیز همین تعبیر را در مورد کتاب جعلی اش به کار برده است (ص ۱۱)؛ همچنین در صفحه ۵، این کتاب جعلی را اهدا کرده است؛ خواندن این قسمت و اطلاع از سرقت ها و تحریفاتی که در این کتاب روی داده، انسان را به یاد داستانی می اندازد که شهید مطهری در داستان راستان (جلد ۱ با عنوان «شهرت عوام»)<sup>۳</sup> نقل کرده است و در آن زاهدی نادان به خیال خود با سرقت نان و انار و صدقه دادن آنها (با کسر و انکسار سیئات از حسنات) برای خود ثواب دست و پا می کند و با پاسخ امام صادق (ع) روبرو می شود که «انما یتقبل الله من المتقین».

ی) سرقت چه ادبی و چه غیر ادبی، امری زشت و ناپسند است؛ به خصوص در روزگار ما که عرف دانش پژوهی بر ارجاع هر گفته ای به صاحب و منبع آن است؛ ولی در خصوص این کتاب جعلی، سرقت بسیار زشت تر است؛ زیرا:

۱. این بحث بحثی قرآنی است و رعایت ادب در ساحت قرآن اقتضا دارد کتابی که به نام بحثی قرآنی منتشر می شود، از امور زشت به دور باشد.

۲. در این بحث نام دو تن از عالمان بزرگ شیعه، یعنی سید مرتضی و علامه طباطبائی در میان است و رعایت حرمت آنان ایجاب می کند کتابی که به نام آنها (در این مورد علامه طباطبائی) منتشر می شود، مسروقه نباشد.

۳. کتاب اصلی در بغداد به چاپ رسیده است؛ چنان که می دانیم ملت عراق در دهه ها و سال های اخیر از ابعاد مختلف دچار ظلم و ستم و حق کشی بوده اند و بسیار زشت است که به جای کمک به آنها، دستاوردهای دانشمندان شان این چنین مورد دست اندازی و دستبرد قرار گیرد.

ذکر جزئیات اقتضاحات این سرقت در حوصله این نوشتار نیست و همین قدر که گفته شد، می تواند عمق تحریف و گمراهی ای را که این کتاب جعلی در بردارد، نشان دهد. این کتاب جعلی مصداق سخن ابن حزم است که درباره این گونه سرقت ها می گوید: «واما من أخذ تألیف غیره فأعاده علی وجهه... أو بدل ألفاظه... أو نقض صواباً بخطأ... فانما هذه أفعال أهل الجهل والغفلة أو أهل القحح والسخف»<sup>۴</sup>.

بنابر این شایسته است این کتاب جعلی تحریم شود و در زمره «کتب ضاله» قرار گیرد و نسخه های آن جمع آوری و معدوم شود یا دست کم با برچسبی، جعلی بودن آن به خواننده گوشزد شود؛ همچنین شایسته است این نوشتار به عربی ترجمه شود یا نوشتاری مستقل به عربی نوشته شود و برای خوانندگان عرب زبان از تزویر و تحریف این کتاب پرده بردارد.

۳. مجموعه آثار؛ ج ۱۸، ص ۳۱۹-۳۲۱.

۴. التقرب لحد المنطق در رسائل ابن حزم؛ ج ۴، ص ۱۰۴.